فرهیختگان
جوان و شهر
دوشنبه ۱۶ بهمن ۱۴۰۲
شماره ۴۰۷۵
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

محور آنگلوساکسونی از تشکیل کشور غیرنظامی فلسطین و صهیونیست‌ها از مدیریت یا الحاق سرزمین‌های ۱۹۶۷ به اردن و مصر می‌گویند

پایان اسرائیل با یک دولتی یا ۲ دولتی

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

غرب اهداف خود برای رهایی از بحران کنونی فلسطین را در راهکار «۲ دولتی» پیگیری می‌کند. این بحران با حمله ۷ اکتبر و وقوع جنگ طوفان الاقصی وارد فاز جدیدی شده و موجودیت رژیم صهیونیستی به طور جدی مورد تهدید قرار گرفته است.

تا پیش از جنگ، غرب و صهیونیست‌ها همچنان امیدوار بودند در کوتاه مدت و با به‌کارگیری زور بتوانند قضیه فلسطین را حل و فصل کنند اما با طوفان الاقصی متوجه شدند این موضوع در کوتاه مدت قابل حل نیست؛ با این حال امیدوارند در بلند مدت بالاخره بر فلسطینی‌ها فائق شوند.

آنچه غرب به سرعت برای مدیریت اوضاع پس از ۷ اکتبر به آن روی آورد راهکار «۲ دولتی» بود. بر مبنای این راهکار در سرزمین فلسطین دو کشور و یا دو دولت تشکیل می‌شود. با توجه به تاسیس رژیم، تنها دولت فلسطینی تشکیل نشده است. صحبت از راهکار ۲ دولتی البته جدید نیست. پیش از پیدایش رسمی رژیم و بر مبنای طرح سازمان ملل، قرار بود سرزمین میان فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها تقسیم شود. این مساله در دهه ۱۹۹۰ نیز رخ داد و بر اساس توافقات اسلو قرار بود ابتدا تشکیلات خودگردان فلسطینی و سپس کشور فلسطین تشکیل شود. با این حال غرب و صهیونیست‌ها چنین طرحی را نیز خفه و از دستور کار خارج کردند.

با به بن‌بست رسیدن عملیات زمینی رژیم در غزه، راهکار ۲ دولتی که از ابتدای جنگ نضج گرفته بود با صدای بلندتری در میان کشورهای غربی و حتی خود صهیونیست‌ها فریاد زده می‌شود.

آنتونی آلبانیز، نخست‌وزیر استرالیا روز گذشته (یکشنبه ۱۵ بهمن) به تلویزیون ای‌بی‌سی گفت: «بخشی از آن (راه‌حل ۲ دولتی) ممکن است به این معنا باشد که به طور مثال، یک کشور فلسطینی غیرنظامی ایجاد شود. اینها مسائلی است که باید روی میز باشد.» او تاکید کرد: «می‌دانم آمریکا و همین‌طور انگلیس به دنبال این مسائل هستند. استرالیا و قطعا دولت من موضع حمایت از دو دولت را داریم.» دیوید کامرون وزیر خارجه انگلیس نیز روز پنجشنبه هفته گذشته (۱۴ بهمن) در جریان سفر به لبنان برای رایزنی پیرامون جنگ غزه، اعلام کرده بود مذاکرات آتش‌بس دائمی پس از توقف جنگ می‌تواند چندین سال به طول بینجامد اما احتمال دارد انگلیس پیش از پایان مذاکرات، کشور مستقل فلسطین را به رسمیت بشناسد.

در حالی که محور انگلوساکسونی با رهبری آمریکا-انگلیس خواستار تشکیل کشور فلسطین به شکل غیرنظامی است و استرالیا یکی از اعضای فرعی این محور آن را بیان کرده است، در میان صهیونیست‌ها وضعیت متفاوت است. دولت راستگرای نتانیاهو به طور یکپارچه مخالف راهکار ۲ دولتی است اما این موضوع در میان اپوزیسیون و حتی راستگرایان خارج از دولت به نحوی متفاوت است. با توجه به مخالفت جامعه صهیونیست‌ها با تشکیل کشور فلسطین، آنها نیز دست به عصا حرکت می‌کنند اما بر لزوم مدیریت سرزمین‌های فلسطینی نشین تاکید دارند. آویگدور لیبرمن، وزیر خارجه و وزیر دفاع اسبق رژیم و رئیس حزب «اسرائیل خانه ماست» در مصاحبه روز جمعه خود با جروزالم پست ادعا کرده راهکار ۲ دولتی مرده و دیگر وجود ندارد اما در ادامه به راهکاری را پیشنهاد داده است که یک راهکار میانی بین تسلط کامل رژیم بر خاک فلسطین و تشکیل فلسطین است. لیبرمن پیشنهاد کرده کنترل نوار غزه باید به مصر سپرده شده و کنترل بخش‌هایی از کرانه باختری نیز باید به اردن سپرده شود. این سیاستمدار برجسته صهیونیست گفته است: «منطقه A و بخشی از منطقه B از طریق اتحاد کنفدراسیونی تحت کنترل اردن قرار گرفته و اسرائیل کنترل باقی مانده مناطق ب و تمام منطقه C را در اختیار خواهد گرفت.»

کرانه باختری رود اردن بر اساس توافق اسلو به قسمت تقسیم شده است که نحوه مدیریت امور مدنی و امنیتی در هرکدام با یکدیگر متفاوت است. برمبنای طرح لیبرمن، بخشی از مناطق فلسطینی نشین کرانه باختری باید با اردن تبدیل به یک کشور شوند. با این حال منطقه C که ۶۰ درصد مساحت کرانه باختری است به همراه بخش‌هایی از منطقه B به طور کامل به خاک رژیم ملحق می‌شوند.

هرد و طرح محور آنگلوساکسونی و صهیونیست‌ها، بر مبنای خرید زمان برای نهایی کردن قضیه فلسطین و تسلط بر سراسر فلسطین طراحی شده‌اند.

چرا راهکار ۲ دولتی مطرح شده است؟

مطرح شدن راهکار ۲ دولتی مزایای قابل توجهی برای غرب و صهیونیست‌ها در فضای کنونی دارد. بخشی از این مزیت به دلیل مسدود بودن دیگر مسیرهاست. مجموعه غرب و متحدانش می‌دانند در مسیر مبارزه علی‌رغم برتری از لحاظ تجهیزات و نفرات، راه به جایی نخواهند برد. برجسته‌ترین پدیده در این ناکامی، شکست تهاجم زمینی در دستیابی به اهدافی مانند نابودی یا تضعیف جدی حماس و همچنین آزادی اسرا است. در ادامه به بخشی از مزیت‌های راهکار ۲ دولتی برای غرب و رژیم پرداخته شده است.

۱ تقویت مجدد جناح سازشکار در برابر گروه‌های مقاومت

جناح سازشکار فلسطینی به دلیل افزایش تجاوز صهیونیست‌ها به قضیه فلسطین مانند اماکن مقدس و محل سکونت مردم، با رویگردانی مواجه شده است. با به بن‌بست رسیدن مسیر سازش از نگاه مردم گرایش آنها به مسیر مبارزه و مقاومت افزایش یافته است. از این رو پشتیبانان این جناح با مطرح ساختن راهکار ۲ دولتی به دنبال تقویت بنیه مردمی آنها هستند؛ چه اینکه به زعم آنها هزینه‌های بالای جنگ برای مردم باعث می‌شود آنها از هراس ناشی از وضعیت دشوار زندگی، ناچار به سازش روی آورند.

۲ کاهش پایداری مردم

براساس تحلیل دستگاه‌های اطلاعاتی و تحلیلگران سیاسی-اجتماعی، مردم فلسطین خواهان مقاومت تا جایی بودند که مشکل‌شان بار دیگر در عرصه جهانی مطرح شده و بتوانند بخشی از حقوق خود را به دست آورند. به زعم غرب احتمال دارد مردم فلسطین با مطرح شدن مجدد راهکار ۲ دولتی و با توجه به عدم وجود دورنمای نزدیکی از اخراج کامل صهیونیست‌ها از فلسطین، به این برداشت برسند که مقاومت‌شان به نتیجه مطلوب رسیده و حالا باید در میز مذاکره آن را به دست آورند.

۳ نمایش تسلط بر تحولات

غرب که در جنگ شکست خورده به دنبال جاروجنجال است تا بگوید همچنان نبض تحولات را در دست دارد و ریل‌گذاری آینده در دستانش است.

۴ تقویت ورود کشورهای عربی به مدیریت فلسطین

اگر بحث فلسطین در جنگ غزه خلاصه شود، کشورهای عربی قادر به مدیریت اوضاع به نفع غرب نیستند. چگونه در حین تداوم جنایات صهیونیست‌ها که تاکنون ۲۶ هزار شهید برجای گذاشته است، طرف‌های عربی به نفع تل‌آویو ورودی آشکار و پرقدرت به تحولات فلسطین داشته باشند؟ مطرح شدن راهکار ۲ دولتی ایجاد پوششی جهت ورود متحدان عربی آمریکا و رژیم به تحولات فلسطین است.

۵ بدیل‌سازی از میدان جنگ

ناکامی صهیونیست‌ها در میدان نظامی و ناتوانی آمریکا از مدیریت وضعیت امنیتی منطقه که در هدف‌گیری کشتی‌های رژیم توسط یمن مشهود است، این طرف‌ها قصد دارند با بدیل‌سازی، رویارویی را از میدان نظامی به میدان سیاسی منتقل کنند. اگر در میدان نظامی جنگ غره علاوه بر مقاومت حاضر در غزه، گروه‌هایی در لبنان، سوریه، یمن و عراق نیز حاضر هستند، در میز مذاکرات سیاسی غرب نه اکثر بازیگران بلکه تمام بازیگران را تحت مدیریت خود دارد و هیچ یک از اعضای مقاومت در آن حضور ندارند.

۶ انتقال هزینه‌ها

اداره امور کرانه باختری و نوار غزه به لحاظ امنیتی به شدت هزینه‌زاست. گفته می‌شود هزینه‌های اقتصادی جنگ غزه به بالای ۵۰ میلیارد دلار می‌رسد. این هزینه‌ها جدای از تلفات نظامیان و شهرک‌نشینان صهیونیست در جنگ است. این در حالی است که با تشکیل یک دولت یا شبه دولت فلسطینی امور امنیتی با پول و خون کشورهای عربی حل و فصل می‌شود.

۷ آماده‌سازی زمینه‌های اخراج

مسئولیت اردن در کرانه باختری و مصر در نوار غزه زمینه‌سازی احاله مسئولیت ابدی اداره ساکنان این دو منطقه به این دو کشور است. در صورت اخراج ساکنان سرزمین‌های ۱۹۶۷، اردن و مصر مسئول جذب بخش‌های متعلق به خود خواهند بود.

۸ خلاصی از اتهامات اشغالگری و نسل‌کشی

با تشکیل دولت فلسطینی و یا احاله مسئولیت آن به کشورهای عربی، دیگر این صهیونیست‌ها نیستند که با اتهام اشغالگری و خونریزی روبه‌رو می‌شوند، بلکه مزدوران عربی با این اتهام روبه‌رو می‌گردند.

۹ ایجاد درگیری عربی

صهیونیست‌ها از اختلاف میان گروه‌های فلسطینی از سال ۲۰۰۷ به ظاهر خشنود بودند و به اختلافات فلسطینی-فلسطینی دامن می‌زدند، زیرا اینگونه درگیری صهیونیستی-فلسطینی کمرنگ می‌شد. با این حال اگر با کنترل کرانه باختری توسط اردن و نوار غزه توسط مصر، فلسطینی‌ها به مقاومت ادامه دهند، درگیری‌ها به فلسطینی-عربی تبدیل می‌شود.

۱۰ ایجاد اجماع جهانی

رژیم به دلیل جنایت در غزه با محکومیت جهانی مواجه شده و در انزوا قرار گرفته است. تاکید غرب بر راهکار ۲ دولتی که پشتیبانی جهانی دارد، همزمان با پیگیری دیگر اهداف، تلاش دارد گفتمان مقاومتی را که خواستار آزادی سراسر فلسطین است، به گوشه رینگ ببرد.

۱۱ تثبیت رژیم در ۱۹۴۸

موجودیت رژیم در مرزهای رسمی خود که در چهارچوب سرزمین ۱۹۴۸ قرار می‌گیرد همچنان توسط گروه‌های مقاومت غزه و کرانه باختری و همچنین فلسطینیان ساکن در سرزمین ۱۹۴۸ تهدید می‌شود. غرب تلاش دارد با صحبت از طرح ۲ دولتی، حتی در میان صهیونیست‌هایی که مخالف آن هستند، اینگونه القا کند که رژیم تثبیت شده است. صهیونیست‌هایی را در نظر بگیرید که با حمله ۷ اکتبر به سرزمین ۱۹۴۸ و احتمال تکرار واقعه‌ای مشابه در شمال، نگران زندگی در رژیم هستند. این صهیونیست‌ها حتی اگر مخالف تشکیل کشور مستقل فلسطینی یا همان راهکار ۲ دولتی باشند، با پررنگ‌تر شدن رسانه‌ای آن، اینگونه به آنها القا می‌شود که رژیم حداقل در مرزهای ۱۹۴۸ تثبیت شده است.

نهایت ماجرا

قضیه فلسطین به این آسانی نیست که با طرح جنگ روانی بخواهد به اتمام برسد. این قضیه بار دیگر در سراسر منطقه مطرح شده و از غرب تا شرق تا جنوب منطقه درگیر آن شده‌اند. مسدود شدن دریای سرخ برای کشتی‌های رژیم و حملات مداوم به پایگاه‌های آمریکایی در منطقه که تعداد آنها به نزدیک ۲۰۰ حمله رسیده است، بغرنج بودن اوضاع را نشان می‌دهند. صهیونیست‌های ساکن شده در فلسطین اشغالی باید در ماه‌ها و سال‌های آتی پایداری زیادی از خود برای باقی ماندن در این سرزمین از خود نشان دهند.

غرب و صهیونیست‌ها می‌دانند طرح نخ‌نمای ۲ دولتی راه به جای نمی‌برد و نهایت کار به سمت تک‌دولتی خواهد رفت.

بیم آمریکا از کنشگری چین در جنگ غزه

سجاد عطازاده
مترجم

تاثیرات عملیات طوفان الاقصی آنقدر زیاد بوده که وارد مباحث مربوط به رقابت ژئوپلیتیک چین و ایالات متحده آمریکا نیز شده است. مارک لئونارد، رئیس اندیشکده شورای روابط خارجی اروپا که حائز کرسی هنری کیسینجر در کتابخانه کنگره ایالات متحده نیز می‌باشد، در مقاله «بازی چین در غزه، چگونه چین از جنگ غزه برای جلب جنوب جهانی به خود استفاده می‌کند» که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده است، از کنشگری چین در جنگ غزه ابراز نگرانی نموده است. او معتقد است چین توانسته با استفاده از استانداردهای دوگانه اعمال‌شده از سوی ایالات متحده درباره جنگ غزه و نبرد اوکراین، بر محبوبیت خود در بین کشورهای در حال توسعه «جنوب جهانی» بیفزاید.

در طول یک سال گذشته که دیپلمات های غربی سراسیمه چهارگوشه دنیا را در تلاش برای مهار موج فزاینده جنگ، بحران و مصائب دیگر -مانند اوکراین، دارفور، قره‌باغ کوهستانی و جمهوری دموکراتیک کنگو- زیر پا می‌گذاشتند، چین حامی آشوب و بی‌نظمی بود. حمله حماس در ۷ اکتبر و لشکرکشی اسرائیل به نوار غزه، پکن را با بحران دیگری برای انتفاع مواجه کرده است. در حالی که ایالات متحده به دلیل حمایت «ظاهرا» بی‌مبنا از اسرائیل، خود را نزد کشورهای جنوب جهانی بی‌اعتبار ساخته است، پکن واکنش خود به جنگ را به دقت سنجیده و به افکار عمومی کشورهای در حال توسعه توجه زیادی دارد.

شش ماه پیش طی مقاله‌ای در فارن‌افرز هشدار دادم در حالی که غرب به دنبال حفظ نظم بین المللی مبتنی بر قوانین موجود از طریق دستکاری برخی از عناصر آن و دعوت از چند بازیگر دیگر است، استراتژیست‌های چینی به طور فزاینده‌ای بر بقای خود در جهانی بدون نظم متمرکز شده‌اند. در همین راستا، چینی‌ها به سایر کشورها کمک می‌کنند تا همزمان با کاهش سلطه غرب، برای خود حاکمیت و آزادی مانور ایجاد کنند. از زمان حمله حماس، دولت بایدن تلاش کرده است تا حمایت عمومی از اسرائیل را با اعمال فشار بر روی تل‌آویو در مجامع خصوصی (برای اعمال دقت بیشتر در عملیات‌های خود و استقبال از راه‌حل‌های سیاسی) همراه سازد. این در حالی است که پکن به این دلیل که نیاز چندانی به موازنه ندارد، با محدودیت‌های بسیار کمتری مواجه است. پکن با حمایت از راه‌حل ۲ دولتی، امتناع از محکومیت حماس و تلاش‌های نمادین برای حمایت از آتش‌بس، از احساسات ضداسرائیلی جهانی در تلاش برای ارتقای جایگاه خود در جنوب جهانی استفاده کرده است. چین در تلاش‌های مجدانه خود برای انعکاس تا حد امکان ممکن دغدغه‌های افکار عمومی جنوب جهانی، راهبرد گسترده‌تری را دنبال می‌کند: استقبال از «حریق‌های بزرگ» جهانی که سیاستمداران غربی را مبهوت خود می‌سازند.

ادبیات دوپهلو

همانطور که یک مدل هوش مصنوعی با هر دسته جدید از داده‌هایی که درباره آنها آموزش می‌بیند، پاسخ خود را به درخواست‌ها بهبود می‌بخشد، هر بحران جهانی جدید هم به چین فرصت بیشتری می‌دهد تا ادبیات خود را نسبت به جنوب جهانی تقویت کند. در این راستا، مقایسه واکنش چین به جنگ غزه با واکنش آن به جنگ در اوکراین آموزنده خواهد بود.

هنگامی که ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه در فوریه ۲۰۲۲ به اوکراین حمله کرد، مدتی طول کشید تا چین موضع اولیه خود را بیابد. پکن در پاسخ اولیه خود ناشی‌گری کرده و حتی در صدور اولین بیانیه‌های خود نیز تعلل کرد. در بیشتر این پیام‌ها نیز بر مصونیت حاکمیت ارضی اوکراین تاکید شده بود؛ اما در عین حال، پکن بر مجاورت اوکراین با روسیه تاکید داشت و با انتقاد از ایالات متحده و ناتو بر «نگرانی‌های امنیتی منطقی» مسکو صحه می‌گذاشت. چین برای اینکه هیچ‌کدام از طرفین را از خود دور نکند، تعمدا راهبرد ابهام را در پیش گرفت اما در اجرای آن ماهر نبود.

با این حال، زمانی که حماس حمله خود را به اسرائیل آغاز کرد، پکن رویکرد خود را تسریع کرده و توانست به سرعت پاسخ دهد. از این رو که مشخص شد افکار عمومی جنوب جهانی به شدت علیه اسرائیل هستند، چین فورا به دنبال استفاده از این بحران برای افشای آنچه از آن به عنوان استانداردهای دوگانه آمریکا یاد می‌شود، برآمد. در ۸ اکتبر، وزارت خارجه چین بیانیه‌ای را منتشر کرد که در آن خواستار آتش‌بس شد و بر راه‌حل دوکشوری تاکید نمود. آنچه در این بیانیه گنجانده نشده بود، انتقاد از حماس یا محکومیت کشتار انجام‌شده توسط این گروه بود؛ آن هم در حالی که چهار نفر از قربانیان این حمله اتباع چین بودند.

پژوهشگری به نام تووایا جرینگ، به دقت این نکته را مستند کرده است که حزب کمونیست چین در واکنش‌های رسمی و غیررسمی خود به این جنگ، سبب شدت گرفتن ادبیات ضدیهودی (و بعضا ضدسامی) شده است. روزنامه چاینا دیلی، بوق پروپاگاندای دولت کمونیستی، در اواخر اکتبر اعلام کرد: «آمریکا در جنگ غزه در سمت اشتباه تاریخ ایستاده است.» تلویزیون دولتی این کشور هم تهمتی ضدسامی را که چند سال قبل از سوی یکی از خبرنگاران آن ساخته شده بود، پخش کرد: یهودیان سه درصد از جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند اما «بیش از ۷۰ درصد از ثروت آن را در اختیار دارند.»

این نوع ادبیات را باید به عنوان تلاشی آگاهانه برای انعکاس روایاتی که بر این بحث در جنوب جهانی تسلط دارند، درک کرد. چین با همسو شدن با عقاید اکثریت مردم در کشورهایی مانند اندونزی، عربستان سعودی و آفریقای جنوبی، می‌تواند خود را به عنوان جایگزینی برای آمریکای جنگ‌طلب، سلطه‌جو و ریاکار معرفی کند.

لفاظی‌های ضداسرائیلی چین به عملکرد دیپلماتیک آن نیز گسترش یافته است. در ۲۰ نوامبر، گروهی از وزرای خارجه عرب سفری را به کشورهای عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل آغاز کردند. اولین توقف آنها در پکن بود، جایی که وانگ‌یی، وزیر امور خارجه چین از آنها استقبال کرد. انتخاب سفر به شرق قبل از فرانسه، بریتانیا و ایالات متحده مطمئنا تعمدی بوده است. این انتخاب را می‌توان به عنوان شاهدی بر افزایش قدرت چین در خاورمیانه از زمان میانجی‌گری برای تنش‌زدایی بین ایران و عربستان سعودی در مارس گذشته دید. اگرچه نشست پکن هیچ نتیجه مشخصی به همراه نداشت، اما به نظر می‌رسد هدف کشورهای عربی چیز دیگری بوده است؛ آنها در پی این بودند نشان دهند که انتخاب‌هایی غیر از ایالات متحده هم دارند. چین نیز از ایفای نقش شریک جایگزین لذت می‌برد.

از زمان شروع عملیات اسرائیل در غزه که دولت بایدن تا حد زیادی از آن حمایت کرده است، بی‌اعتمادی به ایالات متحده در سراسر جهان عرب تعمیق شده است. نظرسنجی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد اعراب اکنون چین را به آمریکا ترجیح می‌دهند. این وضعیت البته بخشی از یک روند بلندمدت بوده اما با جنگ غزه تشدید شده است. نظرسنجی انجام‌شده در پاییز ۲۰۲۳ در هشت کشور بزرگ غیر غربی -برزیل، چین، هند، اندونزی، روسیه، ترکیه، عربستان سعودی و آفریقای جنوبی- توسط شورای روابط خارجی اروپا (که من مسئولیت آن را بر عهده دارم) نشان داد که چین، برخلاف قدرت‌های غربی، با افکار عمومی جنوب جهانی بسیار همسوتر است. چین در مواضع رسمی خود درباره مسائلی مانند احتمال پیروزی روسیه در جنگ با اوکراین، احتمال فروپاشی اتحادیه اروپا یا وضعیت شکننده دموکراسی آمریکا بسیار مراقب است که انعکاسی از یک برزیلی یا ترکیه‌ای متوسط باشد.

تلاش چین برای انعکاس افکار عمومی جهانی درباره مناقشه اسرائیل و فلسطین، بخشی از یک راهبرد بسیار گسترده‌تر است که هدف آن به دست آوردن جنوب جهانی است. جنگ‌های اوکراین و غزه در وهله اول پشتوانه استدلالی این ادعای چین هستند که جهان روز به روز بی‌نظم‌تر می‌شود. از نظر پکن، حمایت ایالات متحده از عملیات اسرائیل در غزه نشان می‌دهد نظم مبتنی بر قوانین که ایالات متحده بسیار به آن فخر می‌فروخت، تنها یک برساخته تقلبی خود خواهانه بوده است؛ کما اینکه در حالی که ایالات متحده به سرعت جنایات جنگی روسیه در اوکراین و رفتار چین با اویغورها را محکوم کرد، در مواجهه با آنچه بقیه جهان به عنوان رفتاری یکسان از سوی اسرائیل مد نظر دارند، سکوت اختیار کرده است. این راهبرد در ۲۰ نوامبر، زمانی که شی جین پینگ در اجلاس مجازی بریکس با تمرکز بر جنگ غزه شرکت کرد، به طور کامل به نمایش گذاشته شد. در این نشست اعضای اصلی این بلوک -برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی- به همراه جدیدترین اعضای آن -آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی- حضور داشتند. اجلاس مذکور تلاش آشکاری برای ارائه این گروه به عنوان یک جایگزین جدید برای سازمان‌های غربی مانند گروه ۷ بود. همانند دیدار وانگ با رهبران عرب، نفس این نشست بسیار مهم‌تر از محتوای آن بود؛ کما اینکه بریکس هم هیچ راه‌حل عملی برای پایان دادن به این خشونت، چه در کوتاه مدت و چه در بلندمدت، ارائه نکرد.

علاوه بر این، موضع چین در قبال جنگ غزه تلاشی برای انتفاع از انزوای نسبی این کشور به شمار می‌آید، چین فقط یک متحد هم‌پیمان در کل جهان دارد: کره شمالی. در خاورمیانه، ایالات متحده از زمان جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ بر تعهد خود به امنیت اسرائیل ثابت‌قدم بوده است. اما در مقابل، چین در انتخاب شرکای خود در این منطقه بسته به موضوع آزاد است. مثلا خرید نفت ایران، در حالی که با عربستان سعودی در زمینه فناوری موشک‌های بالستیک همکاری می‌کند یا ایجاد زیرساخت در سوریه در حالی که تلاش می‌کند ترکیه را به ابتکار کمربند-جاده وصل کند. به لطف این آزادی نسبی، چین قادر بوده تا جنبه عملی واکنش خود به جنگ غزه را بر هر چیز دیگری اولویت دهد؛ زیرا برخلاف ایالات متحده، این کشور متحد دیرینه‌ای ندارد که پکن را به خیانت متهم کند.

نهایتا باید به این نکته هم توجه داشت که برخلاف تصور بسیاری در واشنگتن، چین در تلاش نیست تا کشورها را در یک اتحاد ضدغربی به رهبری خود متحد کند. در حالی که ایالات متحده درباره اینکه چگونه کشورهای دیگر باید با مواضع واشنگتن همسو شده و از قوانین جهانی پیروی کنند صحبت می‌کند، چین خود را به عنوان سردمدار یک «جهان چند تمدنی» و شریکی برای توسعه و حاکمیت معرفی می‌کند. در واقع، نقطه قوت پکن دقیقا این است که در دنیای پراکندگی کنونی، کشورهای دیگر را مجبور به انتخاب طرف نمی‌کند.

در اینجا نیز چین بسیار همسو با افکار عمومی جهانی است. بر اساس نظرسنجی شورای اروپایی روابط خارجی از کشورهای بزرگ غیر غربی که در دسامبر ۲۰۲۲ و ژانویه ۲۰۲۳ انجام شده است، اکثریت قابل توجهی در سراسر جهان فکر نمی‌کنند که کشورهای آنها زمانی مجبور به انتخاب بین چین و ایالات متحده خواهند شد. مثلا، تنها ۱۴ درصد از هندی‌ها انتظار دارند تا ده سال آینده جهانی دوقطبی ایجاد شود که در آن مجبور شوند بین بلوک‌های تحت سلطه چین و ایالات متحده یکی را انتخاب کنند. بنابراین، اگرچه ایالات متحده خواستار همسویی نزدیک‌تر از سوی کشورهایی است که در این بین قرار گرفته‌اند، اما عدم تعهد چین به این کشور اجازه داده است که به شریک مطلوب سرمایه‌گذاری زیرساختی و توسعه اقتصادی در بسیاری از نقاط جهان تبدیل شود.

نظم بی‌اعتبارشده

دولت بایدن در راستای تلاش‌های خود برای مهار جنگ بین اسرائیل و حماس، راهبردی مبتنی بر «در آغوش گرفتن اسرائیل» را اتخاذ کرده است و به طور مستمر بر حمایت خود از دولت یهود تاکید می‌کند و از انتقادات آشکار عمومی خودداری می‌کند. با این حال، دولت بایدن، در علن و خفا، نتانیاهو را تشویق کرده است تا یک راهبرد نظامی واقع‌بینانه در غزه داشته، به قوانین بین‌المللی توجه کرده و برای کاهش بحران بشری تلاش بیشتری انجام دهد. ظاهرا واشنگتن از این طریق در تلاش است تا خود را به عنوان واسطه‌ای برای فرآیند سیاسی آتی بین اسرائیلی‌ها، فلسطینی‌ها و همسایگان عرب آن‌ها -که پس از فروکش کردن خشونت‌ها آغاز خواهد شد- معرفی کند.

همه باید امیدوار باشند که این راهبرد با موفقیت همراه گردد؛ اما در دادگاه افکار عمومی جهانی، محدودیت‌های رویکرد ایالات متحده نسبت به اسرائیل و نفوذ بایدن بر نتانیاهو شگفت‌انگیز بوده است. با هر کشته غیرنظامی بر اثر حمله هوایی اسرائیل، استدلال‌های غرب در دفاع از نظم مبتنی بر قوانین در جنوب جهانی توخالی‌تر می‌شود. این امر می‌تواند عواقب پایداری برای اوکراین داشته باشد، کشوری که مشروعیت مبارزه خود را از ماهیت نظم‌شکن تجاوز روسیه اخذ کرده است. به علاوه، اگر در آینده، شی تصمیم سرنوشت‌ساز حمله به تایوان را بگیرد، مطمئنا امیدوار خواهد بود که موضع او در قبال جنگ غزه این احتمال را ایجاد کند که جنوب جهانی به جای واشنگتن، پشت سر پکن قرار خواهد گرفت.